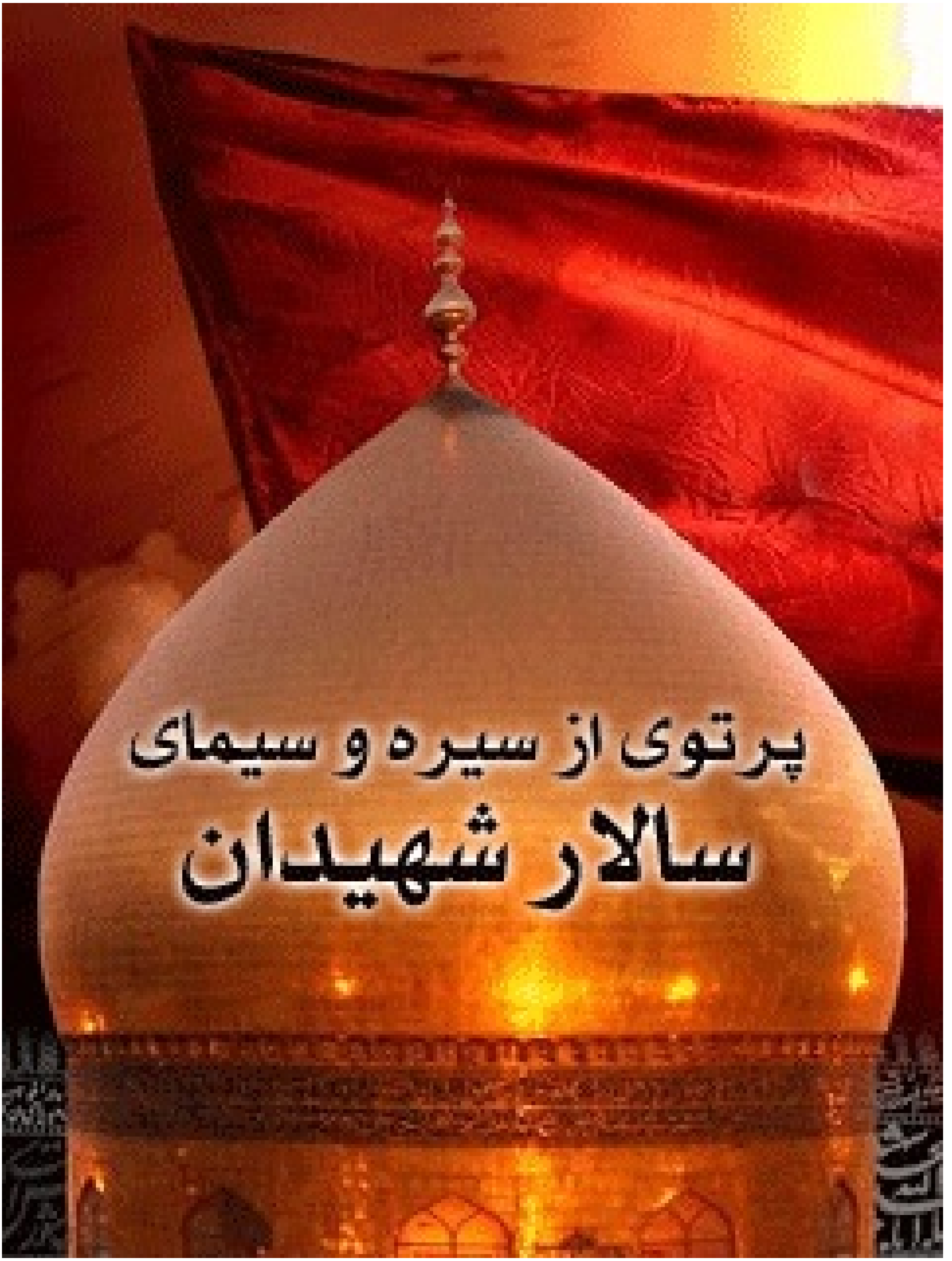

پرتوی از سیره و سیمای
سالار شهیدان

بسم الله الرحمن الرحیم

پرتوی از سیره و سیمای سالار شهیدان

نویسنده:

مسعود شفیعی کیا

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرتوی از سیره و سیمای سالار شهیدان علیه السلام

مشخصات کتاب

نویسنده : مسعود شفیعی کیا

ناشر : مسعود شفیعی کیا

مقدمه

میلاد با برکت حضرت ابی عبداللّه الحسین (علیه السلام)، دومین فرزند امام علی و فاطمه زهرا (علیهما السلام) بنا بر مشهور، روز سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه بوده است.پس از ولادت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نام وی را «حسین» گذاشت، آن گاه او را بوسید و گریست و فرمود: تو را مصیبتی عظیم در پیش است، خداوندا! کشنده او را لعنت کن! آن حضرت به مصباح الهدی و سفینه النّجاه و سیّد الشّهداء و ابوعبداللّه معروف است.مسعودی می نویسد: امام حسین (علیه السلام) مدّت هفت سال با رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بود و در این مدّت، آن حضرت خود متصدّی غذا دادن و علم و ادب آموختن به امام حسین (علیه السلام) بود.شدّت علاقه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به حسین (علیه السلام) به قدری بود که کوچکترین ناراحتی او را نمی توانست تحمّل کند.روزی پیامبر از در خانه فاطمه (علیها السلام) می گذشت، صدای گریه حسین را شنید، وارد خانه شد و به دخترش فرمود: مگر نمی دانی که گریه حسین در من چقدر مؤثّر است، آن گاه طفل را بوسید و گفت:«خداوندا! من این کودک را دوست دارم تو نیز او را دوست بدار.»حدیث معروف «حُسَیْنٌ مِنّی وَ أَنَا مِنْ حُسَیْن، أَحَبَّ اللّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَیْناً، حُسَیْنٌ سِبْطٌ مِنَ الأَسْباطِ.»؛ یعنی: «حسین از من است و من از حسینم، خداوند دوست دارد کسی را که حسین را دوست می دارد، حسین سبطی از اسباط است.» موردِ قبول شیعه و سنّی است.حسین بن علی (علیه

السلام) مدّتِ شش سالِ دوران کودکی اش را با پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) سپری کرد و پس از رحلت آن بزرگوار، مدّت سی سال در کنار پدرش علی (علیه السلام) به سر برد و در همه حوادث پرتلاطم دوران آن حضرت حضوری پرتلاش داشت.پس از شهادت امیرمؤمنان (علیه السلام) ده سال تمام همراه و همگام با برادر عزیزش امام حسن (علیه السلام) زندگی کرد و پس از شهادت برادر در سال ۵۰ هجری، به مدّت ده سال، به ارزیابی حوادث زمان پرداخت و بارها به معاویه پرخاش کرد و پس از مرگ او در برابر حکومت یزید، شجاعانه ایستادگی و از بیعت با او خودداری کرد، تا این که در محرّم سال ۶۱ هجری به همراه گروهی از بستگان و یاران باوفایش، در سرزمین کربلا به شهادت رسید.حسین بن علی (علیه السلام) نمونه کامل یک انسان برجسته و متشخّص بود و نام حسین در اذهان، همراه با شجاعت و ظلم ستیزی و جوش و خروش بر ضدّ هر گونه ستم و تبعیض است.در دوران پنج سال حکومت پدر با او همکاری می کرد و در پی چاره می گشت که پیش از آن که امّت، نَفَسِ واپسین را برآورد، نفحه حیاتی در او بدمد و در تاریخ طرحی نو دراندازد.سال شصتم به پایان نرسیده بود، امام حسین (علیه السلام) دید که مردم در مقابل برادرش امام حسن (علیه السلام) از نفس افتاده و هرچه از باقیمانده مکتب در میانشان بوده از آنها دور گردیده و توده مردم، خود را در گلوی گشاد بنی امیّه انداخته اند.امام احساس کرد که برای به حرکت

درآوردن امّت، دیگر خطابه و سخنرانی حماسی کافی نیست، بلکه باید اراده شکست خورده امّت را به پذیرفتن فداکاری وادارد و آنان را بر ضدّ باطل بشوراند تا زمینه تحقّقِ حقّ را فراهم سازد و در این راه، با فداکاری منحصر به فرد خود، برای حال و آینده معیاری ارزشمند و ثابت بر جای نهاد.

هدف قیام

هدف قیام امام حسین (علیه السلام) را به آسانی و بدون تکلّف می توان از سخنان آن حضرت استنباط کرد.آن گاه که امام (علیه السلام) بر اثر تهاجم عمّال حکومت ناچار شد از مدینه خارج گردد، در ضمن نوشته های، هدف حرکت خود را چنین شرح داد:۱ «إِنّی لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًا وَلا بَطَرًا وَلا مُفْسِدًا وَلا ظالِمًا وَإِنَّما خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْاِصْلاحِ فی أُمَّهِ جَدّی، أُریدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهی عَنِ الْمُنْکَرِ وَأَسیرَ بِسیرَهِ جَدّی وَأَبی عَلِیِّ بْنِ أَبیطالِب»؛ یعنی: «من از روی خود خواهی و خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، من فقط برای اصلاح در امّت جدّم از وطن خارج شدم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدّم و پدرم علی بن ابیطالب عمل کنم.» در این سخن چند نکته مهمّ، شایان توجّه است:۱ اصلاح امّت، ۲ امر به معروف و نهی از منکر، ۳ تحقّقِ سیره و روش پیامبر و علی (علیهم السلام).۲ آن حضرت در مقام دیگری فرموده است:«أَللّهُمَّ إِنَّکَ تَعْلَمُ ما کانَ مِنّا تَنافُسًا فی سِلْطان وَ لاَ اِلْتماسًا مَنْ فُضُولِ الْحُطام وَلکِنَّ لِنَرُدَّ الْمَعالِمَ مِنْ دینِکَ وَنَظْهِرَ الْاِصْلاحَ فی بِلادِکَ وَیَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مَنْ عِبادِکَ ویُعْمَلَ بِفَرائِضِکَ وَسُنَنِکَ وَأَحْکامِکَ.»

«بار خدایا! تو می دانی که آنچه از ما اظهار شده برای رقابت در قدرت و دستیابی به کالای دنیا نبوده، بلکه هدف ما این است که نشانه های دینت را به جای خود برگردانیم و بلادت را اصلاح نماییم، تا ستمدیدگان از بندگانت امنیّت یابند و به واجبات و سنّتها و دستورهای دینت عمل شود.» در این سخن هم چند نکته قابل توجّه است:۱ برگرداندن نشانه و علائم دین به جای اصلی خود،۲ اصلاحات در همه شهرها،۳ ایجاد امنیّت برای مردم،۴ فراهم ساختن زمینه عمل به واجبات و مستحبّات و احکام الهی.۳ در برخورد با سپاه حرّ بن یزید ریاحی فرمود: «أَیُّهَا النّاسُ فَإِنَّکُمْ إِنْ تَتَّقُوااللّهَ وَتَعْرِفُوا الْحَقَّ لاَهْلِهِ یَکُنْ أَرْضی لِلّهِ وَنَحْنُ أَهْلُ بَیْتِ مُحَمَّد (صلی الله علیه وآله وسلم) أَوْلی بِوِلایَةِ هذَا الاَْمْرِ مِنْ هؤُلاءِ الْمُدَّعینَ ما لَیْسَ لَهُمْ وَالسّائرینَ بِالْجَوْرِ وَالْعُدْوانِ.»«ای مردم اگر شما از خدا بترسید و حقّ را برای اهلش بشناسید، این کار بهتر موجب خشنودی خداوند خواهد بود.و ما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، به ولایت و رهبری، از این مدّعیانِ نالایق و عاملان جور و تجاوز، شایسته تریم.»۴ و نیز در مقام دیگر فرمود:«إِنّا أَحَقُّ بِذلِکَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَیْنا مِمَّنْ تَوَلاّهُ.»«ما اهل بیت به حکومت و زمامداری نسبت به کسانی که آن را تصرّف کرده اند سزاوارتریم.»از این دو بخش از سخن امام (علیه السلام) نیز به وضوح استفاده می شود که آن حضرت خود را شایسته رهبری و زمامداری بر مردم می داند، نه یزید فاسد و دستگاه جائر او را.بنابراین، هدف امام حسین (علیه

السلام) در این قیام، تحقّقِ کاملِ حقّ بوده است.اموری که آن حضرت به عنوان فلسفه قیامش به آنها اشاره می کند، از قبیل: اصلاح امّت، امر به معروف و نهی از منکر، تحقّق سیره پیامبر و علی، برگرداندن علائم و نشانه های دین به جای خود، اصلاحات در شهرها، امنیّت اجتماعی، فراهم ساختن زمینه اجرای احکام، همه و همه این امور، زمانی قابل تحقّق و اجراست که ولایت و حکومت در مجرا و مسیر اصلی اش قرار گیرد و به دست امام (علیه السلام) بیفتد؛ لذا فرمود: «ما اهل بیت شایسته این مقامیم نه متصرّفانِ متجاوز و جائر».پس هدف نهایی آن حضرت، تشکیل حکومت اسلامی بر اساس سیره پیامبر و علی بوده است؛ که در پرتو آن، احکام الهی اجرا می شود و نشانه های دین آشکار و شهرها اصلاح و امنیّت پابرجا و امر به معروف و نهی از منکر انجام، و سیره و سنّت پیامبر و علی متحقّق، و در نتیجه کار امّت اصلاح می گردد.نکته شایان توجّه این که تلاش خالصانه برای تشکیل حکومت اسلامی که منبع و منشأ تمام خیرات و برکات است و شعبه مهّم ولایت علی و آل علی (علیه السلام) هم که همان قبول حاکمیّت و پذیرش تفسیر آنان از دین است غیر از حکومت و سلطنت استبدادی و ریاست طلبی و کشورگشایی بر اساس هواهای نفسانی است که منشأ تمام مفاسد و شُرور است.

نتایج قیام حسینی

۱ درهم شکستن ارکان مخوف دین سالاری ساختگی اُمَوی که امویان و یارانشان سلطه سلطنتی خود را بر آن استوار ساخته بودند و رسوا ساختن حاکمان تبهکار بنی امیّه که پیوسته

در صـدد اِحیای نظام جاهلی بودنـد.۲ بیـدار کردن وجـدانهای خفته: شـهادت فجیع امام حسـین (علیه السـلام) در کربلا موجی شدیـد از احساس گناه در وجدان مسـلمانانی که او را یاری نکردند برانگیخت.این احساس گناه دو جنبه داشت: از یک طرف آنهـا را وادار می ساخت که گناهی را که مرتکب شـده انـد با کفّاره بشوینـد و از طرف دیگر به کسانی که آنها را به ارتکاب چنین گنـاهی واداشـته بودنـد، کینه و نفرت بورزنـد.به طوری که انگیزه قیام توّابین همان کفّاره یاری نکردن امام حسـین (علیه السـلام)، و انتقام گرفتن از امویان بود.مقدّر چنین بود که آتش این احساس گناه، پیوسـته برافروخته ماند و انگیزه انتقام از بنی امیّه در هر فرصت به انقلاب و قیام بر ضـدّ سـتمگران منتهی گردد.۳ ارائه اخلاق جدید: قیام امام حسـین (علیه السلام) موجب آن گردیـد که در جامعه، نوعی اخلاق بلنـد نظرانه پدیـد آیـد.امام (علیه السـلام) و فرزندان و یارانش در قیام بر ضدّ بنی امیّه، اخلاق عالی اسـلامی را با همه صـفات و طراوت آن نشان دادنـد.آنان این اخلاق را بر زبان نیاوردند، بلکه با خون خود آن را مسـجّل ساختنـد.مردم عادی قبایل عادت کرده بودنـد که دین و وجدان خود را به بهای اندک بفروشـند و در برابر سـتمکاران گردن خم کننـد تـا از عطاهـای آنـان بهره منـد گردند.هـدف مسـلمانان عـادی همـان زنـدگی روزمرّه شخصـی بـود و تنهـا به زندگانی خویش می اندیشیدند.در آنان، دردهای اجتماعی تأثیری نداشت، به قول شاعر:از درد سخن گفتن و از درد شنیدن با مردم بی درد ندانی که چه دردی است! تنها کوشش آنان این بود که دسترنج خویش را

حفظ کنند و به توجیهات رهبران رام باشند، مبادا نامشان از فهرست حقوق بگیران حذف شود، لذا در مقابل جور و ستمی که می دیدند، خاموشی می گزیدند و تمام تلاش آنها این بود که مفاخر قبیله ای خود را بازگو کنند و سنّتهای جاهلی خویش را زنده سازند.اصحاب حسین (علیه السلام) مردمی دیگر بودند که در سرنوشت خویش با امام همراه شدند و با این که دارای زن و فرزند و دوستانی بودند و از بیت المال هم حقوقی دریافت می نمودند و زندگانی نسبتاً راحتی داشتند و می توانستند از لذّت های حیات برخوردار گردند، از همه اینها چشم پوشیدند و برای نثار جان در راه حسین (علیه السلام) با ستمگران به ستیز برخاستند.برای بیشتر مسلمانان آن روز، این نکته بسی جالب بود که یک انسان بین زندگانی زبونانه و مرگ شرافتمندانه، مرگ با عزّت را بر زندگی با ذلّت ترجیح دهد.برای مردم این نمونه ای عالی و شگفت انگیز بود.چنان خصلتی وجدان هر مسلمانی را تکان می داد و او را از خواب سنگین و طولانی راحت طلبی و فرصت طلبی بیدار می کرد تا زندگی اسلامی شکلی دیگر گیرد؛ شکلی که سالها پیش از قیام حسین (علیه السلام) از میان رفته بود.قیام امام حسین (علیه السلام) پس از دیری خاموشی، از نو موجب برانگیختن روح مبارزه جویی گردید و این چنین قیام حسینی و کربلای خونین او، همه سدّهای روحی و اجتماعی را که مانع قیام و انقلاب می شد، درهم فرو ریخت.قیام حسین (علیه السلام) به مردم این درس را آموخت که به آنان بگوید: تسلیم نشوید، انسانیّت خود را

مورد معامله قرار ندهید، با نیروی اهریمن بجنگید، و همه چیز را در راه تحقّق آرمانهای اسلام محمّدی (صلی الله علیه وآله وسلم) فدا سازید.قیام حسینی در وجدان گروه بسیاری از مردم این اندیشه را برانگیخت که با حمایت نکردن از حسین (علیه السلام) مرتکب گناه شده اند و باید کفّاره بپردازند و کفّاره آن جز مبارزه با حاکمان جور و ظلم و ریشه کن نمودن بنیاد فاسد استبداد، چیز دیگری نیست.این گونه پس از نهضت حسینی (علیه السلام)، در مکتب، روح انقلاب دمیده شد و مردم در انتظار رهبری قاطع بودند و هرگاه پیشگامِ ظلم ستیزی را می یافتند بر ضدّ حکومت بنی امیّه دست به انقلاب می زدند.در همه این انقلابها، شعار انقلابیون، خونخواهی حسین (علیه السلام) بود.انقلاب توّابین و انقلاب مردم مدینه و قیام مختار ثقفی در سال ۶۶ هجری و انقلاب زید بن علی بن حسین (علیه السلام) در سال ۱۲۲ هجری، نمونه هایی از ظلم ستیزی است که همه آنها ریشه در حرکت و قیام بی نظیر حسینی (علیه السلام) دارد.در این انقلابها مسلمانان پیوسته به دنبال آزادی و عدالت بودند که حکومت کنندگان آن را خفه کرده بودند و تمام این تحرّکات به برکت تحرّک و قیام حسینی بود.و این گونه حسین (علیه السلام) درس حریّت و آزادگی و استقلال و ظلم ستیزی را تا دامنه قیامت به همه انسانها آموخت.سخنان حضرت ابی عبدالّله الحسین، بهترین معرّف هدف والای آن حضرت است، از سرتاسر کلمات حضرتش ندای انسان دوستی و حریّت و عدالت و ظلم ستیزی و مقاومت در برابر جور حاکمان زر و زور به گوش

می رسد.از میان کلمات قدسی آن حضرت، چهل حدیث را برگزیده ایم که تقدیم خوانندگان ارجمند می کنیم.

چهل حدیث

اشاره

رُوِیَ عَنْ أَبی عَبْدِاللهِ الْحُسَیْن (علیه السلام):

پند امام به عالمان

«أَیَّتُهَا الْعِصابَهُ بِالْعِلْم مَشْهُورَهٌ وَ بِالْخَیْرِ مَذْکُورَهٌ وَ بِالنَّصیحَهِ مَعْرُوفَهٌ وَ باللّهِ فی أَنْفُسِ النّاسِ مَهابَهٌ، یُهابُکُمُ الشَّریفُ، وَ یُکْرِمُکُمُ الضَّعیفُ وَ یُؤْثِرُکُمْ مَنْ لافَضْلَ لَکُمْ عَلَیْهِ وَ لا یَدٌ لَکُمْ عِنْدَهُ، تَشْفَعُونَ فِی الْحَوائِجِ إِذَا امْتُنِعَتْ مِنْ طُلاّبِها، وَ تَمْشُونَ فِی الطَّریقِ بِهَیْبَهِ الْمُلُوکِ وَ کَرامَهِ الْأَکابِرِ... فَأَمّا حَقُّ الضُّعَفاءِ فَضَیَّعْتُمْ وَ أَمّا حَقُّکُمْ بِزَعْمِکُمْ فَطَلَبْتُمْ أَنْتُم تَتَمَنَّوْنَ عَلَى اللّهِ جَنَّتَهُ وَ مُجاوَرَهَ رَسُلِهِ وَ أَمانًا مِنْ عَذابِهِ؟!حضرت ابی عبداللّه الحسین (علیه السلام) خطاب به عالمان بی عمل و تارکان امر به معروف و نهی از منکر فرموده اند:ای گروه نیرومندی که به دانش مشهور و به نیکی مذکور و به خیرخواهی معروف و با نام خدا و مذهب در نفوس مردم، با مهابت جلوه گرید! شریف از شما حساب می برد و ضعیف شما را گرامی می دارد، و کسانی که بر آنها برتری و حقّی ندارید، شما را بر خود ترجیح می دهند، شما وسیله حوائجی هستید که بر خواستارانش ممتنع است، و به هیبت پادشاهان و کرامت بزرگان در راه گام برمی دارید...! و امّا حق ضعیفان را ضایع کردید! و حقّ خود را که به گمانتان شایسته آنید طلب نمودید...! و با این حال آرزوی بهشت الهی را دارید و همجواری پیامبران و امان از عذابش را در سر می پرورانید!

اصلاح امت، نه قدرت طلبی

«أَللّهُمَّ إِنَّکَ تَعْلَمُ ما کانَ مِنّا تَنافُسًا فی سُلْطان وَ لاَ الْتِماسًا مِنْ فُضُولِ الْحُطام وَ لکِنْ لِنَرُدَّ الْمَعالِمَ مِنْ دینِکَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلاحَ فی بِلادِکَ وَ یَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبادِکَ وَ یُعْمَلَ بِفَرائِضِکَ وَ سُنَنِکَ وَ أَحْکامِکَ.»:درباره فلسفه قیامش فرمود: بار خدایا! تو می دانی که آنچه از

ما اظهار شده برای رقابت در قدرت و دستیابی به کالای دنیا نیست؛ بلکه هدف ما این است که نشانه های دینت را به جای خود برگردانیم و بلادت را اصلاح نماییم تا ستمدیدگان از بندگانت امنیّت یابند و به واجبات و سنّتها و دستورهای دینت عمل شود.

بهداشت جسم و خودسازی

«أُوصيكُمْ بِتَقْوَى اللّهِ وَ أُحَذِّرَكُمْ أَيّامَهُ... فَبادِرُوا بِصِحَّهِ الْأَجْسامِ فى مُدَّهِ الْأَعْمارِ... فَإِيّاكَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَخافُ عَلَى الْعِبادِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَ يَأْمَنَ العُقُوبَهَ مِنْ ذَنْبِهِ.»:ای مردم! شما را به تقوای الهی سفارش می کنم و از (گناه کردن) در ایّامش برحذر می دارم... در مدّت عمر به سلامت و تندرستی جسم پیشی گیرید... و از کسانی مباشید که بر گناه بندگان بیم دارند و خود از عقوبت گناه خویش آسوده خاطراند!

اقسام جهاد

«أَلْجِهادُ عَلى أَرْبَعَهِ أَوْجُه: فَجِهادانِ فَرْضٌ وَ جِهادٌ سُنَّهٌ لا يُقامُ إِلاّ مَعَ فَرْض وَ جِهادٌ سُنَّهٌ، فَأَمّا أَحَدُ الْفَرْضَيْنِ فَجِهادُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنْ مَعاصِى اللّهِ وَ هُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهادِ، وَ مُجاهَدَهُ الَّذينَ مِنَ الكُفّارِ فَرْضٌ.وَ أَمَّا الْجِهادُ الَّذى هُوَ سُنَّهٌ لا يُقامُ إِلاّ مَع فَرْض فَإِنَّ مُجاهَدَهَ الْعَدُوِّ فَرْضٌ عَلى جَميعِ الْأُمَّهِ لَوْ تَرَكُوا الْجِهادَ لَأَتاهُمُ الْعَذابُ وَ هُوَ مِنْ عَذابِ الْأُمَّهِ وَ هُوَ سُنَّهٌ عَلَى الْإِمامِ، وَحَدُّهُ أَنْ يَأْتِىَ مَعَ الْأُمَّهِ فَيُجاهِدَهُمْ. وَ أَمَّا الْجِهادُ الَّذى هُوَ سُنَّهٌ فَكُلُّ سُنَّه أَقامَهُ الرَّجُلُ وَ جاهَدَ فى إِقامَتِها وَ بُلُوغِها وَ إِحْيائِها، فَالْعَمَلُ وَ السَّعْىُ فيها مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمالِ لِاَنَّها إِحْياءُ سُنَّه وَ قَدْ قالَ رَسُولُ اللّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ سَنَّ سُنَّهً حَسَنَهً فَلَهُ أَجْرُها وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِها إِلى يَوْمِ الْقِيمَهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا.»جهاد بر چهارگونه است: دوتای آن فرض، و یکی سنّت که جز با فرض برپاداشته نشود، و دیگر جهاد سنّت.امّا آن دوتایی که فرض است، یکی جهاد شخص با نفس خود در مقابل معصیتهای الهی است، و آن بزرگترین جهاد است، و جهاد با کفّار که هم مرز با شمایند

فرض است.و امّا جهادی که سنّت است و جز با فرض برپا نشود، جهاد با دشمن است، و واجب است بر همه امّت، و اگر جهاد را ترک کنند عذاب بر آنان آید و این عذابی است که از خود امّت است.و چنین جهادی بر امام سنّت است و حدّ آن این است که امام با امّت به سراغ دشمن روند و با آنها جهاد کنند.و امّا جهادی که سنّت مطلق است عبارت از هر سنّتی است که شخص آن را برپا می دارد و در برپایی و اجرا و زنده کردن آن تلاش می کند.بنابراین، هر نوع کار و کوشش در اقامه آن از بهترین اعمال خواهد بود، زیرا که آن زنده نمودنِ سنّت است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است: «هر که سنّت و روش نیکویی را به وجود آوَرَد پاداشش برای او خواهد بود و نیز ثواب هر که تا روز قیامت بدان عمل کند، بدون آن که از ثواب آنها هم چیزی کاسته شود.»

تباهی دنیا

«إِنَّ هذِهِ الدُّنْیا قد تَغَیَّرَتْ وَ تَنَکَّرَتْ وَ أَدْبَرَ مَعْرُوفُها، فَلَمْ یَبْقَ مِنْها إِلاّ صُبابَهٌ کَصُبابَهِ الْاِناءِ وَ خَسیسُ عَیْش کَالْمَرْعَی الْوَبیل، أَلا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لا یُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْباطِلَ لا یُتَناهی عَنْهُ، لِیَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فی لِقاءِاللّهِ مُحِقًّا، فَإِنّی لا أَرَی الْمَوْتَ إِلاّ سَعادَهً وَ لاَ الْحَیاهَ مَعَ الظّالِمینَ إِلاّ بَرَمًا، إِنَّ النّاسَ عَبیدُ الدُّنیا وَ الدّینُ لَعْقٌ عَلی أَلْسِنَتِهِمْ یَحُوطُونَهُ مادَرَّتْ مَعائِشُهُمْ فَإِذا مُحِّصُوا بِالْبَلاءِ قَلَّ الدَّیّانُونَ.»امام حسین (علیه السلام) در هنگام سفر به کربلا فرمود:راستی این دنیا دیگرگونه و ناشناس شده و معروفش پشت کرده، و از آن جز

نمی که بر کاسه نشیند و زندگی ای پست، همچون چراگاه تباه، چیزی باقی نمانده است. آیا نمی بینید که به حقّ عمل نمی شود و از باطل نهی نمی گردد؟ در چنین وضعی مؤمن به لقای خدا سزاوار است. و من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز هلاکت نمی بینم. به راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین بر سر زبان آنهاست و مادام که برای معیشت آنها باشد پیرامون آن اند، و وقتی به بلا آزموده شوند دینداران اندک اند.

نعمت ناخوش انجام

«أَلْاِسْتِدْراجُ مِنَ اللّهِ سُبحانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يُسْبِغَ عَلَيْهِ النِّعَمَ وَ يَسْلُبَهُ الشُّكْرَ.»غافلگیر کردن بنده از جانب خداوند به این شکل است که به او نعمت فراوان دهد و توفیق شکرگزاری را از او بگیرد.

عبادت تاجران، عابدان و آزادگان

«إِنَّ قَوْمًا عَبَدُو اللّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبادَةُ التُّجّارِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبادَةُ الْعَبيدِ، وَ إِنَّ قَومًا عَبَدُوا اللّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبادَةُ الْأَحْرارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبادَةِ»:گروهی خدا را از روی میل و رغبت (به بهشت) عبادت می کنند که این عبادت تاجران است، و گروهی خدا را از روی ترس (از دوزخ) می پرستند و این عبادت بندگان است و گروهی خدا را از روی شکر (و شایستگیِ پرستش) عبادت می کنند و این عبادت آزادگان است که بهترین عبادت است.

پرهیز از ستمکاری

«إِيّاكَ وَ الظُّلْمَ مَنْ لا يَجِدُ عَلَيْكَ ناصِرًا إِلاَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ»برحذر باشید از ستم کردن به کسی که یاوری جز خداوند عزّوجلّ ندارد.

روی آوردن به دیندار، جوانمرد و اصیل

«لا تَرْفَعْ حاجَتَكَ إِلاّ إِلى أَحِد ثَلاثَه: إِلى ذى دين، أَوْ مُرُوَّه، أَوْ حَسَب.»جز به یکی از سه نفر حاجت مبر: به دیندار، یا صاحب مروّت، یا کسی که اصالت خانوادگی داشته باشد.

نشانه های مقبول و نامقبول انسانها

«مِنْ دَلائِلِ عَلاماتِ الْقَبُولِ: أَلْجُلُوسُ إِلى أَهْلِ العُقُولِ. وَ مِنْ عَلاماتِ أَسْبابِ الْجَهْلِ أَلْمُماراةُ لِغَيْرِ أَهْلِ الْكُفْرِ. وَ مِنْ دَلائِلِ الْعالِمِ إِنْتِقادُهُ لِحَديثِهِ وَ عِلْمُهُ بِحَقائِقِ فُنُونِ النَّظَرِ.»:از دلائل نشانه های قبول، همنشینی با خردمندان است.و از نشانه های موجبات نادانی، مجادله با مسلمانان.و از نشانه های دانا این است که سخن خود را نقّادی می کند و به حقایق فنونِ نظر، داناست.

نشانه های مؤمن

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ اتَّخَذَ اللّهَ عِصْمَتَهُ وَ قَوْلَهُ مِرْآتَهُ، فَمَرَّةً يَنْظُرُ فى نَعْتِ الْمُؤمنينَ وَ تارَةً يَنْظُرُ فى وَصْفِ الْمُتَجَبِّرينَ، فَهُو مِنْهُ فى لَطائِفَ وَ مِنْ نَفْسِهِ فى تَعارُف وَ مِنْ فِطْنَتِهِ فى يَقين وَ مِنْ قُدْسِهِ عَلى تَمْكين.»:به راستی که مؤمن خدا را نگهدار خود گرفته و گفتارش را

آیینه خود، یک بار در وصف مؤمنان می نگرد و بار دیگر در وصف زورگویان، او از این جهت نکته سنج و دقیق است و اندازه و قدر خود را می شناسد و از هوش خود به مقام یقین می رسد و به پاکی خود استوار است.

بخل ورزی در سلام

«أَلْبَخیلُ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلامِ.»:بخیل کسی است که به سلام کردن بخل ورزد.

نتیجه پیروی از گناهکار

«مَنْ حَاوَلَ امْرَأً بِمَعْصِیَهِ اللّهِ کانَ أَفْوَتَ لِما یَرْجُو وَ أَسْرَعَ لِما یَحْذَرُ.»:کسی که با نافرمانیِ خدا گِرد کسی گردد، آنچه را امید دارد از دست رفتنی تر است و از آنچه برحذر است زودتر دچارش گردد.

احترام به ذریه زهرا

«وَ اللّهِ لا أَعْطِی الدَّنِیَّهَ مِنْ نَفْسی أَبَدًا وَ لَتَلْقِیَنَّ فاطِمَهُ أَباها شاکِیَهً ما لَقِیَتْ ذُرِّیَّتُها أُمَّتُهُ وَ لا یَدْخُلُ الْجَنَّهَ أَحَدٌ أَذاها فی ذُرِّیَّتِها.»:به خدا قسم من هرگز زیر بار پستی و ذلّت نخواهم رفت و در روز قیامت، فاطمه زهرا پدرش را ملاقات خواهد کرد، در حالی که از آزاری که فرزندانش از امّت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دیده اند به پدر خویش شکایت خواهد برد و کسی که ذرّیّه فاطمه را آزار دهد داخل بهشت نخواهد شد.

فلسفه قیام

«إِنّی لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًا وَ لا بَطَرًا وَ لا مُفْسِدًا وَ لا ظالِمًا وَ إِنَّما خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلاحِ فی أُمَّهِ جَدّی (صلی الله علیه وآله وسلم) أُریدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْروفِ وَ أَنْهی عَنِ الْمُنْکَرِ وَ أَسیرَ بِسیرَهِ جَدّی وَ أَبی عَلِیِّ بْنِ أَبیطالب.»:من از روی خودخواهی و خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، بلکه قیام من برای اصلاح در امّت جدّم می باشد، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدّم و پدرم علی بن ابیطالب عمل کنم.

ما اهل بیت شایسته حکومتیم

«إِنّا أَحَقُّ بِذلِکَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَیْنا مِمَّنْ تَوَلاّهُ.»:ما اهل بیت به حکومت و زمامداری نسبت به کسانی که آن را تصرّف کرده اند سزاوارتریم.

امام کیست؟

«فَلَعَمْری مَا الْإِمامُ إِلاَّ الْعامِلُ بِالْکِتابِ والْاخِذُ بِالْقِسْطِ وَ الدّائِنُ بِالْحَقِّ وَ الْحابِسُ نَفْسَهُ عَلی ذاتِ اللّهِ.»:به جان خودم سوگند، امام و پیشوا نیست، مگر کسی که به قرآن عمل کند و راه قسط و عدل را در پیش گیرد و تابع حقّ باشد و خود را در راه رضای خدا وقف سازد.

اهل بیت شایستگان حکومت

«أَيُّهَا النّاسُ فَإِنَّكَمْ إِنْ تَتَّقُوا اللّهَ وَ تَعْرِفُوا الْحَقَّ لِاَهْلِهِ يَكُنْ أَرْضـى لِلّهِ وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّد (صـلى الله عليه وآله وسـلم) أَوْلى بِوِلايَةِ هـذَا الْأَمرِ مِنْ هؤُلاءِ الْمُدَّعينَ ما لَيْسَ لَهُمْ وَ السّائِرينَ بِالْجَوْرِ وَ العُدْوانِ.»ای مردم! اگر شـما از خدا بترسـيد و حقّ را برای اهلش بشناسـيد، اين كـار بهتر موجب خشـنودی خداونـد خواهـد بود و مـا اهل بيت پيامبر، به ولايت و رهبری، از اين مـدّعيان نالايق و عاملان جور و تجاوز، شايسته تريم.

قيام در مقابل ظالم

«أَيُّهَا النّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللّهِ (صـلى الله عليه وآله وسـلم) قالَ: مَنْ رَأى سُـلْطانًا جائِرًا مُسْـتَحِلًّا لِحُرَمِ اللّهِ ناكِثًا لِعَهْـدِاللهِ مُخالِفًا لِسُـنَّهِ رَسُولِ اللّهِ يَعْمَلُ فى عِبادِ اللّهِ بِالْاِثْمِ وَ الْعُـدْوانِ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْل وَ لا قَوْل كانَ حَقًّا عَلَى اللّهِ أَنْ يُـدْخِلَهُ مُـدْخَلَهُ.»:هان ای مردم! پيامبر خدا فرموده است: كسـی كه زمامداری سـتمگر را ببيند كه حرام خدا را حلال می سازد و عهدش را می شكند و با سنّت پيامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) مخالفت می ورزد و در ميان بندگان خدا بر اساس گناه و تجاوز عمل می كند، ولی در مقابل او با عمل يا گفتار، اظهار مخالفت ننمايد، بر خداوند است كه او را با همان ظالم در جهنّم اندازد.

خشنودی خالق، ملاک رستگاری

«لاـ أَفْلَـحَ قَوْمٌ إِشْتَرَوْا مَرْضـاتِ الْمَخْلُوقِ بِسَـخَطِ الْخـالِقِ.»:رسـتگار مبـاد مردمی كه خشـنودی مخلوق را در مقابـل غضب خـالق خريدند.

بهترين ياران

«إِنّى لا أَعْلَمُ أَصْـحابًا أَوْلى وَ لا خَيْرًا مِنْ أَصْـحابى وَ لا أَهْلَ بَيْت أَبَرَّ وَ لا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتى فَجزاكُمُ اللّهُ جميعًا خَيْرًا.»:در شب عاشورا فرمود: من اصـحاب و يارانی را بهتر از ياران خود نديـده ام و اهل بيت و خاندانی بهتر و باوفاتر از اهل بيت خود سـراغ ندارم، خداوند به همه شما جزای خير دهاد.

آزمودگان استوار امام

«وَ اللّهِ لَقَـدْ بَلَوْتُهُمْ فَمـا وَجَـدْتُ فيهِمْ إِلاَّ الْأَقْعَسَ يَسْـتَأْنِسُونَ بِالْمَنِيَّهِ دُونى اِسْتيناسَ الطِّفْلِ إِلى مَحالِبِ أُمِّه.»:درباره اصـحاب خود فرمود: به خدا قسم آنان را آزمودم، دلاور و اسـتوارشان ديدم، به كشـته شدن در ركاب من چنان مشتاق اند كه طفل شيرخوار به پستان مادرش!

بهترين سخن تسلی بخش

«إِنَّ أَهْـلَ الْأَـرْضِ يَمُوتُونَ وَ أَهْـلَ السَّمـاءِ لا يَبْقُونَ وَ أَنَّ كُلَّ شَـىْء هالِكٌ إِلاّ وَجْهَ اللّهِ الَّذى خَلَقَ الْأَرضَ بِقُـدْرَتِهِ وَ يَبْعَثُ الْخَلْقَ فَيَعُودُونَ وَ هُوَ فَرْدٌ وَحْدَهُ.»:در مقام تسـلّی به خواهر بزرگوارش فرمود:اهل زمين می ميرند و اهل آسـمان باقی نمی مانند و همه چيز رو به فناست، جز ذات پروردگاری كه زمين را به قدرتش آفريده، و خلق را برانگيزاند و همه به سوی او باز می گردند، و او تنهای يگانه است.

شکیبایی، پل پیروزی

«صَبْرًا یا بَنِی الْکِرامِ فَمَا الْمُوْتُ إِلاّ قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِکُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَ الضَّرّاءِ إِلَی الْجِنانِ الْواسِعَهِ وَ النِّعَم الدّائِمَه.»به اصحاب رزمنده خود در روز عاشورا فرمود: ای بزرگ زادگان! صبر و شکیبایی ورزید که مرگ چیزی جز یک پُل نیست که شما را از سختی و رنج عبور داده به بهشت پهناور و نعمتهای همیشگی آن می رساند.

فرجام دنیا

«عِبادَ اللّهِ إتَّقُوا اللّهَ وَ کُونُوا مِنَ الدُّنْیا عَلی حَذَر فَإِنَّ الدُّنْیا لَوْ بَقِیَتْ عَلی أَحَد أَوْ بَقِیَ عَلَیْها لَکانَتِ الأَنْبِیاءُ أَحَقَّ بِالْبَقاءِ وَ أَوْلی بِالرِّضا وَ أَرْضی بِالْقَضاءِ غَیْرَ أَنَّ اللّهَ خَلَقَ الدُّنْیا لِلْفَناءِ فَجَدیُدها بال وَ نَعیمُها مُضْمَحِلٌّ وَ سُرُورُها مُکَفْهِرٌ وَ الْمَنْزِلُ تَلْعَةٌ وَ الدّارُ قَلْعَةٌ. فَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَیْرَ الزّادِّ التَّقْوی وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ.»:بندگان خدا! از خدا بترسید و از دنیا برحذر باشید که اگر بنا بود همه دنیا به یک نفر داده شود و یا یک فرد برای همیشه در دنیا بماند، پیامبران برای بقا سزاوارتر بودند و جلب خشنودی آنان بهتر و چنین حکمی خوش آیندتر بود، ولی هرگز! زیرا خداوند دنیا را برای فانی شدن خلق نموده که تازه هایش کهنه و نعمت هایش زایل خواهد شد و سرور و شادی اش به غم و اندوه مبدّل خواهد گردید، منزلی پست و خانه ای موقّت است، پس برای آخرت خود توشه ای برگیرید.و بهترین توشه آخرت تقواست، از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

مقاومت مردانه

«لا وَاللّهِ لا أَعْطیهِمْ بِیَدی إِعْطاءَ الذَّلیلِ وَ لا أَفِرُّ مِنْهُمْ فِرارَ الْعَبیدِ.»نه به خدا سوگند، نه دست ذلّت در دست آنان می گذارم و نه مانند بردگان از صحنه جنگ در برابرشان فرار می کنم.

آثار غذای حرام

«وَیْلَکُمْ ما عَلَیْکُمْ أَنْ تَنْصِتُوا إِلَیَّ فَتَسْمَعُوا قَوْلی وَ إِنَّما أَدْعُوکُمْ إِلی سَبیلِ الرَّشادِ فَمَنْ أَطاعَنی کانَ مِنَ الْمُرْشَدینَ وَ مَنْ عَصانی کانَ مِنَ الْمُهْلَکینَ وَ کُلُّکُمْ عاص لِأَمْری غَیْرُ مُسْتَمِع لِقَوْلی قَدِ انْخَزَلَتْ عَطِیّاتُکُمْ مِنَ الْحَرامِ وَ مُلِئَتْ بُطُونُکُمْ مِنَ الْحَرامِ فَطَبَعَ اللّهُ عَلی قُلُوبِکُمْ.»در روز عاشورا خطاب به سپاه ظلم فرمود: وای بر شما چرا ساکت نمی شوید، تا گفتارم را بشنوید؟ همانا من شما را به راه هدایت و رستگاری فرامی خوانم، هر کس از من پیروی کند سعادتمند است و هر کس نافرمانی ام کند از هلاک شدگان است، شما همگی نافرمانی ام می کنید و به سخنم گوش نمی دهید، آری در اثر هدایای حرامی که به شما رسیده و در اثر غذاهای حرامی که شکم هایتان از آنها انباشته شده، خداوند این چنین بر دلهای شما مُهر زده است!

هیهات که زیر بار ذلت روم

«أَلا إِنَّ الدَّعِیَّ بْنَ الدَّعِیِّ قَدْ رَکَزَ بَیْنَ اثْنَتَیْنِ بَیْنَ السِّلَّهِ وَ الذِّلَّهِ وَ هَیْهاتَ مِنَّا الذِّلَّهُ یَأْبَی اللّهُ لَنا ذلِکَ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤمِنُونَ وَ حُجُورٌ طابَتْ وَ طَهُرَتْ وَ أُنُوفٌ حَمِیَّةٌ وَ نُفُوسٌ آبِیَةٌ مِنْ أَنْ نُؤْثِرَ طاعَةَ اللِّئامِ عَلی مَصارِعِ الْکِرامِ.»:آگاه باشید که فرومایه، فرزند فرومایه، مرا در بین دو راهیِ شمشیر و ذلّت قرار داده است و هیهات که ما زیر بار ذلّت برویم، زیرا خدا و پیامبرش و مؤمنان از این که ما ذلّت را بپذیریم دریغ دارند، دامنهای پاک مادران و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران، روا نمی دارند که اطاعت

افراد لئیم و پست را بر قتلگاه کریمان و نیک منشان مقدّم بداریم.

خشم الهی بر یهود، مجوس و دشمن اهل بیت

«إِشْتَدَّ غَضَبُ اللّهِ عَلَى الْيَهُودِ إِذْ جَعَلُوا لَهُ وَلَدًا وَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى النَّصارى إِذْ جَعَلُوهُ ثالِثَ ثَلاثَه وَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى الْمَجُوسِ إِذْ عَبَدُوا الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دُونَهُ وَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلى قَوْم إِتَّفَقَتْ كَلِمَتُهُمْ عَلَى قَتْلِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّهِمْ.»:خشم خداوند بر یهود آن گاه شدّت گرفت که برای او فرزندی قرار دادند، و خشمش بر نصاری وقتی شدّت یافت که برای او قائل به خدایان سه گانه شدند، و غضبش بر مجوس آن گاه سخت شد که به جای او آفتاب و ماه را پرستیدند، و خشمش بر قوم دیگری آن گاه شدّت یافت که بر کشتن پسرِ دخترِ پیامبرشان هماهنگ گردیدند.

اگر دین ندارید، لااقل آزاد باشید

«يا شيعَهَ آلِ أَبى سُفْيانَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُم دينٌ وَ كُنْتُمْ لا تَخافُونَ الْمَعادَ فَكُونُوا أَحْرارًا فى دُنْياكُم وَ ارْجِعُوا إِلى أَحْسابِكُمْ إِنْ كُنْتُم عَرَبًا كَما تَزْعَمُونَ.»:ای پیروان خاندان ابوسفیان! اگر دین ندارید و از روز قیامت نمی ترسید لااقلّ در زندگی دنیاتان آزادمرد باشید، و اگر خود را عرب می پندارید به نیاکان خود بیندیشید.

پیشی گیرنده در آشتی

«أَيُّما إِثْنَيْنِ جَرى بَيْنَهُما كَلامٌ فَطَلَبَ أَحَدُهُما رِضَا الْآخَرِ كانَ سابِقُهُ إِلَى الْجَنَّهِ.»:هر یک از دو نفری که میان آنها نزاعی واقع شود و یکی از آن دو رضایت دیگری را بجوید، سبقت گیرنده، اهل بهشت خواهد بود.

ثواب سلام

«لِلسَّلامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تِسْعٌ وَ سِتُّونَ لِلْمُبْتَدِءِ وَ واحِدَةٌ لِلرّادِّ»:سلام کردن هفتاد حسنه دارد، شصت و نُه حسنه از آنِ سلام کننده و یکی از آنِ جواب دهنده است.

رضای خدا، نه هوای مردم

«مَنْ طَلَبَ رِضَا اللّهِ بِسَخَطِ النّاسِ كَفاهُ اللّهُ أُمُورَ النّاسِ، وَ مَنْ طَلَبَ رِضَا النّاسِ بِسَخَطِ اللّهِ وَكَلَهُ اللّهُ إِلَى النّاسِ.»:هر کس رضای خدا را به غضب مردم بجوید، خدا او را از کارهای مردم کفایت می کند، و هر کس خشنودی مردم را به غضب خدا بجوید، خدا او را به مردم واگذارد.

ویژگیهای حضرت مهدی

«تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ بِالسَّكينَهِ وَ الْوَقارِ وَ بِمَعْرِفَهِ الْحَلالِ وَ بِحاجَهِ النّاسِ إِلَيْهِ وَ لا يَحْتاجُ إِلى أَحَد.»:درباره حضرت مهدی (علیه السلام) فرموده: شما مردم، آن حضرت را به داشتن آرامش و متانت و به شناخت حلال و حرام و به رو آوردن مردم به او و بی نیازی او از مردم می شناسید.

رؤیای دنیا

«وَ اعْلَمُوا أَنَّ الـدُّنْیا حُلْوُها وَ مُرُّها حُلْمٌ وَ الْإِنْتِباهُ فِی الْاخِرَهِ.»بدانیـد که دنیا شـیرینی و تلخی اش رؤیایی بیش نیست، و آگاهی و بیداری واقعی در آخرت است.

پرهیز از کلام پست و سبک

چیزی به زبانتان نیاورید که از ارزش شما بکاهد.

جاودانگی در مرگ با عزت

«لَیْسَ الْمَوْتُ فی سَبیلِ الْعِزِّ إِلّا حَیاهً خالِدَهً وَ لَیْسَتِ الْحَیاهُ مَعَ الذُّلِ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذی لا حَیاهَ مَعَهُ.»:مرگ در راه عزّت جز زندگی جاوید، و زندگی با ذلّت جز مرگ بی حیات نیست.

حرمت حیله و نیرنگ

«وَ الْخَدْعُ عِنْدَنا أَهْلَ الْبَیْتِ مُحَرَّمٌ.»:حیله و نیرنگ نزد ما اهل بیت حرام است.

مرگ، پدیده گریبانگیر

«خُطَّ الْمَوْتُ عَلی وُلْدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقِلادَهِ عَلی جیدِ الفَتاهِ وَ ما أَوْلَهَنی إِلی أَسْـلافی إِشْتِیاقَ یَعْقُوبَ إِلی یُوسُفَ.»:قبل از حرکت از مکّه به سـوی عراق در میـان جمعی از بنی هـاشم فرمود: مرگ گردنگیر فرزنـدان آدم است؛ همچون گردنبنـد بر گردن دختـر جوان، و من مشتاق دیدن گذشتگانم هستم، مانند اشتیاقی که یعقوب به دیدن یوسف داشت.

اندیشه پایان کار

«فَإِنْ تَکُنِ الـدُّنْیا تُعَـدُّ نَفیسَهً فَدارُ ثَوابِ اللّهِ أَعْلی وَ أَنْبَلُوَ إِنْ تَکُنِ الْأَمْوالُ لِلتَّرْکِ جَمْعَها فَما بالُ مَتْرُوک بِهِ الْمَرْءُ یَبْخَلُوَ إِنْ تَکُنِ الْأَرْزاقُ قِسْـمًا مُقَسَّمًـا فَقِلَّهُ حِرْصِ الْمَرْءِ فِی الْکَسْبِ أَجْمَلُوَ إِنْ تَکُنِ الْأَبْـدانُ لِلْمَوْتِ أُنْشِـأَتْ فَقَتْـلُ امْرِء بِـالسَّیْفِ فِی اللّهِ أَفْضَـلُ عَلَیْکُمْ سَـلامُ اللّهِ یا آلَ أَحْمَدَ فَإِنّی أَرانی عَنکُمْ سَوْفَ أَرْحَلُدر»:حضـرت در مسیر حرکت به جانب کوفه فرموده است: زندگی دنیـا گرچه نفیس و پربهـاست، ولی پاداش خـدا در جهان دیگر بالاتر و پربهاتر است.و اگر سـرانجام جمع آوری مال و ثروت، ترک نمودن آن است، پس نبایـد مرد برای آن بخـل ورزد.و اگر روزی هـای بنـدگان، تقسـیم و مقـدَّر شـده است، پس کمیِ حرص مرد در کسب، زیباتر. و اگر بـدن ها برای مرگ آفریـده شـده است، پس کشـته شدن مرد در راه خدا چه بهتر. درود بر شما ای خاندان پیامبر، که من به زودی از میان شما کوچ خواهم کرد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹